

بررسی عوامل موثر بر گرایش دانشجویان ارشد حسابداری به سرقت علمی

احمد ناصری*، معصومه فتحی**

تاریخ ۱۵/۰۳/۹۵

تاریخ ۳۱/۰۶/۹۵

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی عوامل موثر بر میزان سرقت علمی بین دانشجویان کارشناسی ارشد حسابداری است. پرسشنامه پژوهش بین تمام دانشجویان کارشناسی ارشد حسابداری شاغل به تحصیل در دانشگاه‌های استان سیستان و بلوچستان توزیع و نهایتاً ۷۳ پرسشنامه قابل استفاده گردآوری شد. نتایج نشان می‌دهد که سرقت علمی کاملاً رایج است و ایشان در کف کافی از انواع مختلف سرقت علمی ندارند. همچنین بین میزان گرایش به سرقت علمی و سن، جنسیت و معدل نمرات دانشجویان، ارتباط معناداری مشاهده نشد. به طور خلاصه، نتایج آزمون همبستگی نشان می‌دهد که (الف) بین میزان ارتکاب به سرقت علمی دانشجویان کارشناسی ارشد حسابداری و میزان فشارهای محیطی، میزان گرایش سیستم آموزشی و دانشجویان به رویکردهای سطحی آموزش حسابداری، و میزان دسترسی دانشجویان به اینترنت (فناوری اطلاعات)، رابطه مثبت و (ب) بین میزان ارتکاب به سرقت علمی دانشجویان کارشناسی ارشد حسابداری و صلاحیت اخلاقی ایشان، میزان آگاهی آنان از کم و کیف سرقت علمی، میزان حمایت و همراهی استاد با دانشجویان، و میزان علاقه ایشان به رشته حسابداری رابطه منفی وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: آموزش حسابداری، سرقت علمی، سرقت ادبی، اخلاق.

طبقه‌بندی موضوعی: M41, I23.

DOI: 10.22051/jera.2018.10141.1293

* استادیار حسابداری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، (نویسنده مسئول)، (Nasseri@acc.usb.ac.ir)
** دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، (Masoumefathi4@gmail.com)

مقدمه

سرقت علمی (یا سرقت ادبی) نگرانی زیادی در بخش آموزش عالی طی چند سال گذشته به ویژه با افزایش شبکه‌ها و بانک‌های اطلاعاتی اینترنتی و دسترسی آسان و ارزان به این منابع به وجود آورده است. بسیاری (به عنوان مثال سامونلز و باست ۲۰۰۶ و سیلوان ۲۰۰۸) بر این باورند که افزایش سرقت علمی نتیجه در دسترس بودن مطالب بر روی اینترنت است. «سرقت علمی» ابعاد و اشکال متعدد و متنوعی دارد. پایه بحث را می‌توان بر این مفهوم کلی گذاشت که کسی که کار علمی همکاران را به نام خود اختصاص دهد سرقت علمی انجام داده است (پارک ۲۰۰۳؛ سامونلز و باست ۲۰۰۶ و سینگ و تامبسامی ۲۰۱۶).

سرقت علمی در نگاه عمومی یک اقدام غیر اخلاقی محسوب می‌شود. رفتارهای غیر اخلاقی عموماً زشت و ناپسند هستند؛ به خصوص اگر از افراد و گروه‌های خاصی دیده شود. سرقت علمی در نگاه اول نوعی از رفتارهای غیر اخلاقی است که از سوی مدعیان و حاملان علوم سر می‌زند و حوزه ارتکاب به این عمل غیر اخلاقی، دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشور است. ناگفته پیداست که اگر تباهی و فساد در مراکز دانشگاهی شیوع پیدا کند به واسطه تأثیرگذاری عمیق و تاریخی علم و دانشگاه بر فرهنگ و آینده جامعه، بسیار مهم‌تر و خطرناک‌تر است. بحث سرقت علمی دانشجویان و پژوهشگران حسابداری به دلیل دیگری و از بعد دیگری نیز باید مورد تأمل و توجه بیشتر قرار گیرد. اگر چه به دلیل اهمیت آن، تاکنون پژوهش‌های متعددی در زمینه توسعه اصول اخلاقی برای دانشجویان انجام شده است (کریتنسون و همکاران ۲۰۱۶).

اصول اخلاقی برای حرفه حسابداری که با بخش اقتصادی جوامع بشری و در نتیجه با فرهنگ و زندگی اجتماعی مردم سر و کار دارد از اهمیت بسیاری برخوردار است. رفتار غیر اخلاقی دارای پیامدهای بالقوه فاجعه بار برای حرفه حسابداری است. سرقت علمی نشان دهنده نقض اخلاق علمی از سوی دانشجویان حسابداری است؛ کسانی که بسیاری از آن‌ها در نهایت به حسابداران حرفه‌ای و مدیران آینده تبدیل خواهند شد. تعیین میزان هزینه و منافع فردی و اجتماعی پدیده سرقت علمی در میان دانشجویان حسابداری امری دشوار ولی بسیار مهم است. انجام این کار در این مجال مختصر ممکن نیست و مقدماتی لازم دارد که تاکنون فراهم نشده است. از مقدمات و ملزومات آن، آشنایی با پدیده سرقت علمی و عوامل موثر بر پیدایش و

افزایش آن است. در رشته حسابداری تاکنون پژوهش‌های زیادی در این حوزه انجام نشده است. پژوهش حاضر به شناسایی عوامل گرایش به سرقت علمی بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی حسابداری می‌پردازد. هدف از این مطالعه عبارت است از:

اول: شناسایی نظری عواملی که می‌تواند بر تمایل و گرایش دانشجویان حسابداری به انجام سرقت علمی تأثیرگذار باشد؛

دوم: آزمون تجربی و میدانی عوامل موثر بر یا مرتبط با سرقت علمی دانشجویان حسابداری؛
و سوم: بیان پیشنهاداتی به منظور کاهش بروز سرقت علمی دانشجویان حسابداری.

مبانی نظری و ادبیات پژوهش

این پژوهش شامل ده فرضیه است که لازم است قبل از گردآوری و تحلیل داده‌ها، مورد آزمون نظری قرار گیرند. در این بخش مبانی نظری و مفاهیم بنیادینی که شکل دهنده هر یک از فرضیه‌های پژوهش هستند، ارائه می‌گردد.

صلاحیت اخلاقی

صلاحیت اخلاقی، توانایی شخص در شناسایی کامل و واکنش درست در وضعیت اخلاقی است. تئوری توسعه اخلاقی کهلبرگ (۱۹۸۱) و مطالعات تجربی متعدد (به عنوان مثال زیپرو و همکاران ۲۰۱۶؛ عبدالمحمدی و بیکر ۲۰۰۷ و داف ۱۹۹۸) نشان می‌دهد که افرادی که از صلاحیت اخلاقی بیشتری برخوردارند (منطقاً و عملاً) کمتر مرتکب رفتارهای غیر اخلاقی می‌شوند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که صلاحیت اخلاقی افراد تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله آموزش، رشد و افزایش پیدا می‌کند. بسیاری از گروه‌های حسابداری در دانشگاه‌های بریتانیا، واحدهای مرتبط با اخلاقیات را در برنامه درسی خود می‌گنجانند (غفاری و همکاران ۲۰۰۸). شاوب (۱۹۹۴) و ایرلای و کلی (۲۰۰۴) گزارش دادند که آموزش علم اخلاق تأثیر مثبتی بر رشد اخلاقی دانشجویان حسابداری داشته و صلاحیت‌های اخلاقی آنان را افزایش داده است. همچنین برنز و همکاران (۲۰۱۵) بر ضرورت تدریس اصول اخلاقی بر دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته حسابداری و افزایش شناخت دانشجویان حسابداری نسبت به چالش‌های بازار کار تأکید نموده‌اند.

به هر تقدیر صرف نظر از این که صلاحیت‌های اخلاقی تا چه میزان تحت تأثیر آموزش اخلاق در دانشگاه افزایش یافته یا خواهد یافت، ما به پیروی از زیابرو و همکاران (۲۰۱۶) در این پژوهش، رابطه بین صلاحیت‌های اخلاقی دانشجویان و میزان تمایل آنان به تقلب و سرقت علمی را مورد آزمون قرار می‌دهیم. بر این اساس فرضیه اول پژوهش این گونه تدوین می‌گردد که میزان صلاحیت اخلاقی دانشجو تأثیر معکوس بر میزان تمایل وی به سرقت علمی دارد. به دیگر بیان، دانشجویانی که صلاحیت اخلاقی کمتری دارند تمایل بیشتری به ارتکاب سرقت علمی دارند.

آگاهی از سرقت علمی

سرقت علمی در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی موضوعی گسترده و پیچیده است (پاول و سینگ ۲۰۱۶). منطقاً می‌توان تصور کرد که گاهی افراد مرتکب انجام یا ترک فعلی بشوند در حالی که از قوانین مدنی و یا از موازین اخلاقی مرتبط با آن اطلاع کافی و کامل نداشته نباشند. پژوهش‌های میدانی نیز نشان داده‌اند که در بعضی از موارد افرادی که مرتکب سرقت علمی شده‌اند، تصویر دقیق و روشنی از مفهوم سرقت علمی نداشته‌اند. بسیاری از محققان (مثلاً، کارول، ۲۰۰۲؛ اسمیت و همکاران ۲۰۰۷؛ و یو ۲۰۰۷) اشاره کرده‌اند که اکثر دانشجویان دانشگاه به طور کامل نمی‌دانند چه چیزی به منزله سرقت متون علمی است، و چه عواقبی می‌تواند داشته باشد و چگونه می‌توان از طریق ارجاع مناسب از بروز سرقت متون علمی جلوگیری کرد.

پاول و سینگ (۲۰۱۶) ضمن تأکید بر ارتقا درک دانشجویان نسبت به سرقت علمی در دانشجویان تحصیلات تکمیلی حسابداری، به ارزیابی سرقت علمی به عنوان موضوعی آموزشی در بین دانشجویان سال دوم تحصیلات تکمیلی حسابداری در استرالیا پرداختند. آن‌ها ضمن ارائه مبانی نظری و عناصر علمی موثر بر ارتقا درک دانشجویان حسابداری نسبت به سرقت علمی، پژوهش خود را بر مبنای پرسشنامه طراحی نموده و دریافتند آگاهی بخشی به دانشجویان در زمینه سرقت علمی، موجب توسعه درک آنها از این موضوع شده و تأثیر مثبتی بر پیشگیری از سرقت علمی در دانشجویان حسابداری دارد.

نکته دیگری نیز در این خصوص طی پژوهش‌های مختلفی (از قبیل کارهای مک کاب و ترینو ۱۹۹۶، هیز و انترونا ۲۰۰۵، اسمیت و همکاران ۲۰۰۷) مکشوف است که اکثر

دانشجویانی که آگاهانه مرتکب سرقت علمی می‌شوند، آن را بی اهمیت و کوچک می‌شمارند. در نظر اکثر دانشجویان انگلیسی و آمریکایی کپی کردن مقدار کمی از متن همکاران بدون ذکر نام مؤلف، قابل قبول است. دانشجویان رشته حسابداری در مالزی نیز ذکر نام مؤلف را ضروری نمی‌دانند.

این موارد نشان می‌دهد که میزان آگاهی دانشجویان از مفهوم سرقت علمی و حدود و ثغور آن، و نیز تبعات قانونی، اخلاقی، و اجتماعی آن می‌تواند بر میزان تمایل وی به انجام سرقت علمی تأثیر بگذارد و منطقاً چنین متصور است که هر چه میزان و عمق این آگاهی‌های حقوقی و اخلاقی بیشتر باشد، میزان تمایل به انجام سرقت علمی کاهش یابد. از این رو به پیروی از پاول و سینک (۲۰۱۶) فرضیه دوم این پژوهش مبتنی بر این مقدمه و پیشینه نظری و تجربی تدوین شده است.

علاقه به رشته تحصیلی و حضور مستمر در دانشگاه

عقلاً نمی‌توان انتظار داشت دانشجویانی که نسبت به رشته تحصیلی خود بی‌علاقه هستند، بهترین عملکرد علمی ممکن را از خود نشان دهند. علاقه دانشجویان به رشته تحصیلی‌اش، عامل انگیزشی مهمی است که وی را به یادگیری عمیق و عملکرد صحیح علمی در دانشگاه وامی‌دارد. این تصور منطقی در پژوهش‌های تجربی و میدانی در دانشگاه‌ها و کشورهای مختلف نیز آزمون شده است. برای نمونه دیویس و همکاران (۲۰۰۹)، رینگر و همکاران (۲۰۱۴)، اش‌ورث و بنیستر (۱۹۹۷)، کارونا و همکاران (۲۰۰۰) در محیط‌های مختلف رابطه بین علاقمندی دانشجویان به رشته تحصیلی و تأثیر مثبتش بر متغیرهای مختلف مثل انجام درست تکالیف، مشارکت در فعالیت‌های علمی گروهی، یادگیری عمیق‌تر روش‌های پژوهش، پرهیز از تقلب و سرقت علمی، و سایر رفتارهای علمی دانشجویی آزمون و بیان کرده‌اند. دانشجویان علاقمند به رشته تحصیلی خود عموماً حضور بیشتری در دانشگاه دارند و بیشتر به اساتید خود مراجعه می‌کنند؛ در فعالیت‌های جمعی اعم از علمی و اجتماعی مشارکت بیشتری دارند و سعی می‌کنند از همه فرصت‌های موجود در دانشگاه برای تقویت بنیه علمی خود بهره‌مند شوند.

با این مقدمه نظری و این پیشینه‌ای که از پژوهش‌های تجربی و میدانی به اختصار ذکر شد، رابطه بین میزان پیوستگی حضور دانشجویان در دانشگاه (به عنوان یکی از علائم و نمادهای بارز و

اصلی میزان علاقمندی دانشجویان به تحصیل در رشته حسابداری) و میزان تمایل وی به انجام سرقت علمی مورد آزمون قرار می‌گیرد. فرضیه سوم پژوهش بر این استدلال‌های عقلی و نقلی استوار است. به بیان ساده انتظار عقلانی آن است که هر چه دانشجویان حضور بیشتر و مداوم‌تری در دانشگاه داشته باشند، به رشته تحصیلی خود علاقمندی بیشتری دارد، و بنابراین در پی آموختن بیشتر و عمیق‌تر مطالب علمی و تخصصی است و در نتیجه تمایل کمتری به ارتکاب تقلب و سرقت علمی خواهد داشت.

فشار

چهارمین فرضیه مورد آزمون در این مطالعه به بررسی رابطه بین فشارهای وارده بر دانشجویان حسابداری و میزان تمایل آن‌ها به انجام تقلب و سرقت علمی می‌پردازد. دانشجویان کما بیش تحت فشارند. چهار نوع فشار بر دانشجویان وارد می‌شود. انتظار موجه این است که اگر فشار بر دانشجویان از حد تحمل وی بیشتر شود، زمینه اقدام وی به تقلب و سرقت علمی مساعدتر گردد. این چهار نوع فشار که در مطالعات متعدد مورد بررسی و آزمون قرار گرفته‌اند به اختصار عبارتند از: الف) فشار موفقیت؛ ترس از شکست می‌تواند منجر به بروز رفتار غیر اخلاقی شود. امین و همکاران (۱۹۹۶)، داف (۱۹۹۸)، عبدالمحمدی و بیکر (۲۰۰۷) و کوه و همکاران (۲۰۱۶) تأثیر مخرب فشار موفقیت بر عملکرد اخلاقی دانشجویان را گزارش کرده‌اند. این بررسی‌ها به وضوح نشان می‌دهد که نزدیک شدن به پایان ترم و ایام امتحانات، و بروز احساس ترس از شکست در امتحانات، تمایل دانشجویان به تقلب و سرقت علمی را افزایش می‌دهد. ب) فشار مالی؛ بنت (۲۰۰۵) وجود ارتباط معکوس بین توانایی مالی دانشجویان رشته حسابداری انگلستان و میزان سرقت علمی آنان را گزارش می‌دهد. پ) فشار حامی؛ دانشجویانی که برای ادامه تحصیل به یک منبع مالی سازمانی یا بورسیه تحصیلی وابسته هستند، تحت فشار زیادی برای موفق شدن هستند. حامیان مالی و اعطای کنندگان بورسیه‌های تحصیلی عمدتاً نتیجه‌گرا هستند و از فرد فقط انتظار دارند که در زمان مقرر تحصیلاتش را با نمرات خوب به اتمام برساند. هاینز و همکاران (۱۹۸۶)، اینترونا و همکاران (۲۰۰۳) نمونه‌هایی از تأثیر فشار حامی بر میزان تمایل دانشجویان به تقلب و سرقت علمی مشاهده و گزارش می‌کنند. ت) فشار زمان؛ چهارمین نوع فشاری که بر دانشجویان وارد می‌شود فشار زمان یا کمبود وقت است که باعث می‌شود دانشجویان به سرقت آثار علمی همکاران متوسل شوند. علاوه بر این،

ضعف مهارتی دانشجویان در مدیریت زمان و تعیین ضرب الاجل از سوی اساتید مختلف برای ارائه هم‌زمان تعدادی از تکالیف نوشتاری، فشار زمان را تشدید کرده و زمینه ارتکاب به سرقت علمی را مساعدتر می‌کند (ایری ۲۰۰۲).

رویکردهای آموزش

نظر به این که شیوه رایج در آموزش حسابداری ایران مبتنی بر آموزش نظری و کتابخانه‌ایست، دانشجویان تحصیلات تکمیلی حسابداری ترجیح می‌دهند برای اطمینان از آینده شغلی خود، بخشی از وقت خود را به کسب تجربه در حرفه و نیز شرکت در دوره‌ها و آزمون‌های حرفه‌ای اختصاص دهند. در سرنوشت دانشجویان حسابداری به غیر از مدارک علمی و پژوهشی دانشگاهی، گواهی‌نامه‌های آزمون‌ها و دوره‌های حرفه‌ای و سابقه کار حرفه‌ای نیز بسیار تأثیرگذار است. این شرایط می‌تواند منجر به کمبود وقت برای انجام دقیق و عمیق تکالیف درسی و در نتیجه سوق یافتن دانشجویان حسابداری به سمت تقلب و سرقت علمی گردد (امین و همکاران، ۱۹۹۶). بووس و همکاران (۱۹۹۹) گزارش کرده‌اند که دانشجویان حسابداری در دانشگاه (در مقایسه با دانشجویان هنر و علوم پایه) بیشتر به روش‌های سطحی یادگیری می‌پردازند. فلمینگ (۱۹۹۶) نیز نشان می‌دهد که گرایش دانشجویان حسابداری به رویکرد سطحی یادگیری با میزان پایداری آنان به موازین اخلاق علمی و حرفه‌ای ارتباط معکوس دارد.

در مجموع، مطالعات پیشین نشان می‌دهد که گرایش دانشجویان حسابداری به رویکرد سطحی یادگیری صرف نظر از اثرات عمیقش بر آینده اخلاق حرفه‌ای حسابداران، ممکن است در همین دوران تحصیل دانشجویی نیز منجر به بروز عادت‌های نادرست علمی شده و دانشجویان را به ارتکاب سرقت علمی تشویق نماید.

فناوری اطلاعات

اینترنت این امکان را برای دانشجویان فراهم می‌کند که بتوانند با کمترین مطالعه و تلاش به حجم زیادی از اطلاعات (و اکثراً بدون اصالت و اعتبار) دست پیدا کنند و آن را ذخیره کنند (پارک، ۲۰۰۳). یوئر و کریوپار (۲۰۰۱) بیان کرده‌اند که توسعه سریع اینترنت، سرقت علمی را به نحو قابل توجهی تسهیل می‌کند. داف (۱۹۹۸) بعد از نمونه‌گیری از ۲۴۳ دانشجوی

حسابداری انگلیسی، گزارش کرد که ۱۷ درصد از دانشجویان با استفاده از بانک مقالات به ارائه تکالیف درسی خود می‌پردازند. کوفمن و یانگ (۲۰۱۵) در پژوهشی تجربی بر روی دو گروه از دانشجویان از گروه الف خواستند درباره موضوعی خاص بدون استفاده از اینترنت مطلبی تهیه کنند. در شرایط مشابه به گروه ب اجازه دسترسی به اینترنت داده شد. نتیجه بیانگر آن بود که ۷۹/۵ درصد از دانشجویان به دلیل سهولت دسترسی به اطلاعات از طریق اینترنت به پیروی از فرآیند کپی و الصاق، سرقت علمی دیجیتال انجام دادند. بنابراین به نظر می‌رسد تنوع فناوری‌های جدید می‌تواند عامل موثری بر سرقت علمی دانشجویان باشد. فرضیه ششم پژوهش مبتنی بر این استدلال تدوین و به بوته آزمون سپرده شده است.

همراهی و حمایت استاد

میزان و نوع همراهی استاد با دانشجو و حمایت از وی در فعالیت‌های پژوهشی‌اش در کاهش استرس و بالتبع تمایل وی به سرقت علمی موثر است. پژوهش‌های میدانی نشان می‌دهد که اکثر اعضای هیأت علمی دارای تجربه تشخیص سرقت علمی هستند و اگر بخواهند می‌توانند آن را کشف کنند؛ ولی با این وجود با همه موارد سرقت علمی به صورت رسمی، قانونی و جدی برخورد نمی‌کنند. دلایلی که برای این امر از سوی اساتید بیان می‌شود شامل پرهزینه بودن روند کشف سرقت علمی و نگرانی آن‌ها از عدم اعمال یکسان مقررات در همه گروه‌های آموزشی است. بعضی از اساتید هم البته از سر دلسوزی و با نگرانی از تأثیر احتمالی اجرای قانون بر آینده شغلی دانشجویشان از افشای سرقت علمی و برخورد قانونی با دانشجوی متقلب خودداری می‌کنند (دوردی ۲۰۰۲).

دانشجویان حسابداری در آمریکا فهمیده‌اند که بیشتر اساتیدشان با سخت‌تر شدن قوانین تقلب و سرقت علمی مخالفند (سرلیس و همکاران ۱۹۸۰). در مالزی هم اکثر دانشجویان حسابداری ترسی از عواقب سرقت علمی ندارند؛ چون آن‌ها حس می‌کنند که اساتیدشان نه می‌خواهند و نه می‌توانند سرقت علمی را شناسایی و افشا کنند (اسمیت و همکاران ۲۰۰۷). عدم جدیت اساتید، ریسک گرفتار شدن در عواقب سرقت علمی را برای دانشجویان کم کرده و آنان را به انجام سرقت علمی تشویق می‌کند.

از سویی هم دستورالعمل‌های مدون و روشنی که به تمام جزئیات سرقت علمی پرداخته باشد وجود ندارد و این امر می‌تواند زمینه‌ساز انحراف دانشجو از مسیر امانت‌داری علمی بشود.

استادان راهنما اکثراً انتظارات خود را به صورت کاملاً واضح به دانشجویانشان نمی‌گویند و بیشتر بر نتیجه تأکید می‌کنند (استفانی و کارول ۲۰۰۱). حال این سؤال مطرح است که اگر استاد در فعالیت‌های پژوهشی با دانشجو همراهی و در برابر هر نتیجه‌ای که حاصل می‌شود از دانشجو حمایت کند، آیا باز هم دانشجو به ورطه تقلب و سرقت علمی کشیده خواهد شد؟ پاسخ منطقی و اولیه منفی است و فرضیه هفتم پژوهش این امر را به بوته آزمون می‌سپارد.

عملکرد و موفقیت تحصیلی

پژوهش‌های قبلی در نقاط مختلف جهان نشان می‌دهد که دانشجویان با معدل درسی بالاتر، تمایل کمتری به انجام سرقت علمی دارند. در آموزش حسابداری، اسمیت و همکاران (۲۰۰۷) گزارش دادند که دانشجویان ضعیف‌تر، بیشتر مرتکب سرقت علمی می‌شوند. لاو و سیمونز (۱۹۹۸) توضیح می‌دهند که دانشجویانی که از نظر علمی ضعیف هستند شاید اعتماد به نفس کافی برای آماده کردن تکالیف درسی خود در سطح تخصصی ندارند و به همین دلیل به سرقت علمی متوسل می‌شوند. فرضیه هشتم این پژوهش نیز به بررسی رابطه بین عملکرد تحصیلی دانشجویان حسابداری و میزان تمایل آنان به انجام سرقت علمی می‌پردازد.

سن

پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهد که دانشجویان جوان‌تر تمایل بیشتری به تقلب دارند (اسمیت و همکاران، ۲۰۰۲). فرانکلین و نیوزتید (۱۹۹۵) پس از بررسی رابطه بین سن و تقلب علمی در میان ۱۲۸ دانشجوی انگلیسی علوم پایه، بیان کردند که تقلب علمی دانشجویان دارای سن بیش از ۲۵ سال نسبت به هم‌دوره‌ای‌های جوان‌تر خود تناوب و تکرار کمتر دارند ولی مهم‌تر (و جدی‌تر) هستند. فرضیه نهم پژوهش این رابطه را آزمون می‌کند.

جنسیت

پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهد که دانشجویان پسر در سایر کشورها تمایل بیشتری به تقلب دارند (امین و همکاران، ۱۹۹۶؛ زاو و آندروود، ۲۰۰۴). دانشجویان پسر در مالزی و آمریکا، سطوح پایین‌تری از توانایی اخلاقی (در مقایسه با دختران) دارند، لذا زمینه بروز تقلب و سرقت علمی در آنان بیشتر است (اثرینگتن و شولتینگ، ۱۹۹۵؛ اسمیت و همکاران، ۲۰۰۷). آیا در

ایران هم دانشجویان پسر بیشتر مرتکب سرقت علمی می‌شوند؟ فرضیه دهم به رابطه جنسیت و تمایل به سرقت علمی در بین دانشجویان کارشناسی ارشد حسابداری می‌پردازد.

فرضیات پژوهش

بر اساس مقدمه نظری و پیشینه‌ی موضوع، فهرست فرضیات ده‌گانه این پژوهش به شرح زیر تدوین می‌گردد:

- ۱: میزان صلاحیت اخلاقی دانشجو رابطه معکوس با میزان تمایل وی به سرقت علمی دارد.
- ۲: میزان آگاهی دانشجو از سرقت علمی رابطه معکوس با میزان تمایل وی به سرقت علمی دارد.
- ۳: میزان پیوستگی حضور دانشجو در محیط دانشگاهی رابطه معکوس با میزان تمایل وی به سرقت علمی دارد.
- ۴: میزان فشارهای وارده بر دانشجو رابطه مستقیم با میزان تمایل وی به سرقت علمی دارد.
- ۵: میزان گرایش دانشگاه و دانشجو به رویکرد سطحی آموزش رابطه مستقیم با میزان تمایل دانشجویان به سرقت علمی دارد.
- ۶: میزان دسترسی دانشجو به فناوری‌های جدید اطلاعاتی و منابع اینترنتی رابطه مستقیم با میزان تمایل وی به انجام سرقت علمی دارد.
- ۷: میزان همراهی و همکاری استاد رابطه معکوس با میزان تمایل دانشجو به سرقت علمی دارد.
- ۸: میزان موفقیت و عملکرد تحصیلی دانشجو رابطه معکوس با میزان تمایل وی به سرقت علمی دارد.
- ۹: سن دانشجو رابطه معکوس با میزان تمایل وی به سرقت علمی دارد.
- ۱۰: دانشجویان پسر بیشتر از دانشجویان دختر تمایل به سرقت علمی دارند.

روش و ابزار پژوهش

جامعه آماری مشتمل بر ۵۷ دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری استان سیستان و بلوچستان است که در زمان انجام پژوهش (سال ۱۳۹۲) حداقل دو ترم تحصیلی را گذرانده باشند. به پیروی از اسمیت و دیویس (۲۰۰۴)، مکگون و لایتادی (۲۰۰۸) و پاول و سینگ (۲۰۱۶) جامعه آماری پژوهش از بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی حسابداری برگزیده شدند که حداقل دو ترم تحصیلی را گذرانده‌اند؛ چرا که ایشان معتقدند افزایش درک دانشجویان تحصیلات تکمیلی نسبت به سرقت علمی و تقلب برای دانشجویان حسابداری در این مقطع تحصیلی بیشترین اهمیت را دارد. نظر به محدود و در دسترس بودن جامعه آماری همه دانشجویان مورد سوال قرار گرفتند و نیازی به نمونه‌گیری نبود و با توجه به اینکه برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده و بر مبنای مطالعه هیگینز و گرین (۲۰۱۱) در نمونه‌های بالای ۳۰ مورد، با اتکا به قضیه حد مرکزی، داده‌ها دارای توزیع نرمال هستند، می‌توان ارتباط بین متغیرها را با استفاده از روش همبستگی پیرسون بررسی نمود. پرسشنامه پژوهش متشکل از سه قسمت است که از پرسشنامه گوا (۲۰۱۱) اقتباس و پس از انجام آزمون روایی و بازنگری توزیع شده است. مقدار آلفای کرونباخ محاسبه شده که در نگاره‌های زیر آمده مبین پایایی پرسشنامه پژوهش است.

نگاره (۱). محاسبه ضریب آلفای کرونباخ در آزمون اصلی برای بخش دوم

تعداد سوال	ضریب آلفای کرونباخ	عامل‌ها یا متغیرها
۱۰	۰/۹۱۹	درک و شناخت از سرقت علمی
۱۰	۰/۹۲۸	درک اخلاقی
۱۰	۰/۹۷۸	میزان ارتکاب به سرقت علمی

نگاره (۲). محاسبه ضریب آلفای کرونباخ در آزمون اصلی برای بخش سوم

تعداد سوال	ضریب آلفای کرونباخ	عامل‌ها یا متغیرها
۴	۰/۹۳۹	صلاحیت اخلاقی
۶	۰/۸۳۴	آگاهی از سرقت علمی
۹	۰/۸۷۴	فشار
۵	۰/۵۵۲	آموزش حسابداری
۵	۰/۵۷۹	تنوع فناوری جدید
۱۱	۰/۸۶	حمایت و همراهی استاد
۵	۰/۸۲۸	علاقه به رشته حسابداری
۴۵	۰/۵۶۰	در سطح کل

تجزیه و تحلیل داده‌ها

نگاره شماره ۳ نتایج آزمون همبستگی بین متغیرها را نشان می‌دهد. نتایج بیانگر (الف) وجود رابطه مثبت معنادار بین میزان تمایل دانشجویان کارشناسی ارشد حسابداری استان سیستان و بلوچستان به انجام سرقت علمی، و میزان فشار وارده بر ایشان، میزان سطحی بودن آموزش حسابداری، و میزان دسترسی ایشان به اینترنت و (ب) وجود رابطه منفی بین میزان تمایل دانشجویان کارشناسی ارشد حسابداری استان سیستان و بلوچستان به انجام سرقت علمی و میزان صلاحیت اخلاقی آنان، میزان آگاهی آنان نسبت به کم و کیف سرقت علمی، میزان علاقه آنان به رشته حسابداری و میزان حمایت و همراهی استاد با دانشجویان در کارهای علمی و پژوهشی می‌باشد. این نتایج همچنین نشان می‌دهند که بین متغیر عملکرد تحصیلی (معدل نمرات) و سن دانشجویان با میزان تمایل آنان به انجام سرقت علمی رابطه‌ای وجود ندارد.

نگاره (۳). نتایج آزمون همبستگی پیرسون

فرضیه	آزمون همبستگی میزان تمایل دانشجویان به سرقت علمی و...	ضریب مسیر	سطح معناداری	ضریب تعیین	نتیجه	جهت رابطه
۱	میزان صلاحیت اخلاقی دانشجو	-۰/۸۶۱	۰/۰۰۰	۰/۷۴۲	پذیرش	معکوس
۲	میزان آگاهی وی از سرقت علمی	-۰/۸۶۷	۰/۰۰۰	۰/۷۵۲	پذیرش	معکوس
۳	میزان علاقه دانشجو به حسابداری	-۰/۸۶۱	۰/۰۰۰	۰/۷۴۱	پذیرش	معکوس
۴	میزان فشار وارده بر دانشجو	۰/۸۰۷	۰/۰۰۰	۰/۶۵۰	پذیرش	مستقیم
۵	میزان سطحی بودن آموزش	۰/۷۹۰	۰/۰۰۰	۰/۶۲۴	پذیرش	مستقیم
۶	میزان دسترسی دانشجو به اینترنت	۰/۷۴۷	۰/۰۰۰	۰/۵۵۰	پذیرش	مستقیم
۷	میزان همراهی استاد با دانشجو	۰/۸۳۲	۰/۰۰۰	۰/۶۹۰	پذیرش	معکوس
۸	سن دانشجو	-۰/۰۳۲	۰/۳۹۳	۰/۰۰۱	رد	
۹	عملکرد تحصیلی دانشجو	-۰/۱۶۳	۰/۰۹۰	۰/۰۲۷	رد	

نگاره ۴ نتایج آزمون t دو نمونه مستقل را برای فرضیه دهم نشان می‌دهد. بر این اساس میزان ارتکاب به سرقت علمی بین دانشجویان دختر و پسر حسابداری تفاوت معناداری ندارد.

نگاره (۴). آزمون t برای فرضیه دهم

فرضیه	متغیر	مقادیر متغیر	میانگین	تفاوت میانگین‌ها	T	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه
۱۰	جنسیت دانشجویان	مرد	۳/۶۸	۰/۲۵	۰/۸۷۶	۷۱	۰/۳۸۳	رد
		زن	۳/۴۳					

نتیجه‌گیری

نتیجه آزمون فرضیه اول با نتایج مطالعات همکاران در سایر کشورها هم‌خوانی دارد. با افزایش صلاحیت‌های اخلاقی دانشجویان می‌توان انتظار داشت که از میزان تمایل آنان به سرقت علمی کاسته شود. پیشنهاد اکثر محققان، آموزش موثر اخلاق علمی و اخلاق حرفه‌ای به دانشجویان حسابداری به عنوان بخشی از برنامه رسمی تحصیلی آنان است (برای مثال: سرلک ۱۳۸۷؛ ثقفی و همکاران ۱۳۸۹، بنی‌مهدی و پشمی تبار ۱۳۹۳؛ عباس‌زاده و معینی‌زاده ۱۳۹۳؛ مجتهدزاده و همکاران ۱۳۹۳ و زبایرو و همکاران ۲۰۱۶)؛ هر چند که بعضی از محققان (مثلاً رویایی و بیات ۱۳۹۰) نسبت به اثربخشی آموزش رسمی اخلاق در دانشگاه تردید دارند و به آموزش عملی اخلاق تأکید می‌ورزند. به هر حال به واسطه روند افزایشی مشکلات اخلاقی در علم و حرفه حسابداری، مداخله نظام آموزشی برای بهبود این وضع ضروری به نظر می‌رسد.

دوم، آگاهی مبهم از نویسندگی، ارجاع دهی و سرقت علمی می‌تواند دانشجویان را در سرقت علمی درگیر کند. این نتیجه مشابه نتایج پژوهش‌های کارول (۲۰۰۲)، اسمیت و همکاران (۲۰۰۷)؛ یو (۲۰۰۷) و پاول و سینگ (۲۰۱۶) است. از این رو پیشنهاد می‌شود افزایش آگاهی دانشجویان نسبت به سرقت علمی مورد توجه برنامه‌ریزان و متولیان آموزش حسابداری ایران قرار گیرد.

سوم، دانشجویانی که علاقه کمتری به تحصیل در حسابداری دارند، تمایل بیشتری به انجام سرقت علمی دارند. این نتیجه با نتیجه مطالعات دیویس و همکاران (۲۰۰۹) نیز همخوانی دارد. چهارم، دانشجویانی که تحت فشارهای بیشتری هستند تمایل بیشتری به سرقت علمی دارند. این نتیجه مشابه نتایج پژوهش‌های فرانکلین و نیوزتید (۱۹۹۵)، امین و همکاران (۱۹۹۶)، داف (۱۹۹۸)، ایری (۲۰۰۲)، پارک (۲۰۰۳)، اینترونا و همکاران (۲۰۰۳)، عبدالمحمدی و بیکر

(۲۰۰۷) و کوه و همکاران (۲۰۱۱) است. فشارهای آموزشی و محیطی مثل تعیین ضرب الاجل‌های نزدیک به هم برای تکالیف مختلف، راهنمایی‌های مبهم و کلی از سوی اساتید، و فشار خانواده و جامعه مبنی بر فارغ‌التحصیلی هر چه سریع‌تر دانشجو نمونه‌هایی از فشارهای وارده بر دانشجو هستند که زمینه تمایل وی به ارتکاب سرقت علمی را فراهم می‌سازند.

نتیجه آزمون فرضیه پنجم نشان می‌دهد که سطحی‌تر شدن آموزش با تمایل دانشجویان حسابداری به ارتکاب تقلب و سرقت علمی رابطه مثبت معناداری دارد. این یافته با نتیجه‌ای که پیش از این فلمینگ (۱۹۹۶) بیان کرده بود همخوانی دارد.

نتیجه آزمون ششم هم کاملاً روشن و شفاف است. هر چه میزان دسترسی به اینترنت و بانک‌های اطلاعاتی بیشتر می‌شود، وقوع سرقت‌های علمی نیز بیشتر می‌شود. هانسن (۲۰۰۳) سیستمی (۲۰۰۷)، و وانگ (۲۰۰۸) نیز همین نتیجه را در نقاط دیگر دنیا به دست آورده‌اند.

هفتمین دستاورد این مطالعه، تأکید بر حمایت و همراهی استاد با دانشجو در انجام کارهای پژوهش‌هایی و رابطه معنی‌دار آن با میزان تمایل دانشجویان به انجام سرقت‌های علمی است. این یافته پیش از این نیز توسط دوردی (۲۰۰۲)، اسمیت و همکاران (۲۰۰۷)، استفانی و کارول (۲۰۰۱) در کشورهای دیگر گزارش شده است. بنا بر این به اساتید راهنما و مدرسان تحصیلات تکمیلی پیشنهاد می‌شود به منظور کنترل تقلب‌ها و پیشگیری از وقوع سرقت علمی و ادبی در تمام مراحل کار با دانشجو و پژوهشگر همراهی نموده و در مراحل سخت کار از وی حمایت کنند.

آزمون فرضیه‌های هشتم، نهم و دهم نشان می‌دهد که سن دانشجو، جنسیت دانشجو، و عملکرد تحصیلی وی ارتباط معنی‌داری با میزان تمایل وی به انجام سرقت علمی ندارد. رایان و همکاران (۲۰۰۹)، و فرانکلین و نیوزتید (۱۹۹۵) نیز به همین جمع‌بندی رسیده‌اند. ولی نتایج پژوهش اسمیت و همکاران (۲۰۰۲) که می‌گویند دانشجویان جوان‌تر تمایل بیشتری به تقلب دارند و نتایج پژوهش‌های گوا (۲۰۱۱) که نشان می‌دهد دانشجویان درس‌خوان‌تر و با معدل نمرات بالاتر، کمتر تمایل به انجام سرقت علمی دارند متضاد است. شاید علت این تناقض نتایج در ترکیب متفاوت جمعیت دانشجویان کارشناسی ارشد حسابداری در استان سیستان و بلوچستان و در شرایط ویژه امروز ایران باشد.

شرایط تحصیلی دانشجویان حسابداری امروزه به گونه‌ای است که بیشترین دانشجویان در دانشگاه‌های کشور در این رشته مشغول به تحصیل هستند و از طرفی هم فضای اقتصادی و بازار کار برای فارغ‌التحصیلان حسابداری نسبت به گذشته بسیار وخیم است. شاید این امر منجر به بروز نوعی سرخوردگی و یأس در دانشجویان مقاطع مختلف و از جمله دانشجویان کارشناسی ارشد این رشته شده باشد و آنان را نسبت به درک و فهم عمقی مطالب علمی این رشته بی‌انگیزه کرده باشد. شاید این امر منجر به کم‌رنگ شدن تفاوت بین گروه‌های مختلف سنی، جنسی، و درسی در ارتکاب به سرقت علمی شده باشد.

دو پیشنهاد پژوهشی

در خلال پژوهش مشخص شد که از منظر دانشجویان کارشناسی ارشد قوی‌ترین عامل بازدارنده در ارتکاب ایشان به سرقت علمی، ترس از استاد راهنما و داوران پایان‌نامه‌ها و مجلات علمی حسابداری است. همانطور که در پیشینه اشاره شد این ترس به طور ویژه از فشار و به طور کلی از علاقه کم دانشجویان نسبت به حسابداری، سطحی بودن آموزش و میزان همراهی استاد راهنما با دانشجویان نشأت می‌گیرد. جستجوی محققین برای ارزیابی عملکرد داوران مجله‌های علمی حسابداری در پیشگیری از سرقت علمی ناکام ماند. پیشنهاد می‌گردد با تحلیل محتوایی پایان‌نامه‌ها و مقالات منتشره، پژوهش یا پژوهش‌هایی در خصوص میزان توفیق و تأثیر اساتید راهنما و داور در پیشگیری از تقلب و سرقت علمی در رشته حسابداری به مرحله اجرا درآید.

نکته دوم که در طی مسیر این پژوهش به شدت خودنمایی می‌کرد، فقدان منابع و مطالعات میدانی در خصوص میزان ارتکاب اساتید حسابداری ایران به سرقت علمی و ادبی و عوامل موثر بر میزان تمایل آنان به انجام سرقت علمی است. انگشت اتهام پژوهش‌های انجام شده در این حوزه به سمت دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترای حسابداری است. انجام پژوهش‌هایی با موضوع میزان ارتکاب اساتید حسابداری ایران به سرقت علمی و عوامل موثر بر میزان تمایل آنان به انجام سرقت علمی به پژوهشگران دلسوز و جسور حسابداری ایران پیشنهاد می‌گردد.

منابع

- بنی‌مهد، بهمن و نگار پشمی‌تبار. (۱۳۹۳). رابطه‌ی تقلب تحصیلی و فرصت‌طلبی در میان دانشجویان. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال نهم، شماره ۲، صص ۴۱-۴۸.
- ثقفی، علی؛ حلیمه رحمانی و افسانه ربیعی. (۱۳۸۹). آموزش اخلاق حسابداری در دوره کارشناسی. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال پنجم، شماره‌های ۱ و ۲، صص ۷-۱۸.
- رویایی، رمضانعلی و علی بیات. (۱۳۹۰). آموزش اخلاق در حسابداری: بررسی تاثیر انگیزش اخلاقی بر روی رفتار اخلاقی. فصلنامه پژوهش‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۹، بهار ۱۳۹۰.
- سرلک، نرگس. (۱۳۸۷). اخلاق حسابداری. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال سوم، شماره‌های ۱ و ۲، صص ۷۱-۸۲.
- عباس‌زاده، محمدرضا و محسن معینی‌زاده. (۱۳۹۳). تأثیر جنسیت بر درک اصول اخلاقی دانشجویان حسابداری: بررسی تطبیقی در ایران و انگلستان. پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۵۵-۷۳.
- مجتهدزاده، ویدا، حمیده اثنی‌عشری و مژگان رباط‌میلی. (۱۳۹۳). نقش اخلاق در حسابداری و چالش‌های پیش روی آموزش دانشگاهی. پژوهش حسابداری، شماره ۱۳، صص ۱۵۷-۱۷۹.
- Abbaszadeh, M. R. & Moinizadeh, M. (2014). The Effect of Gender on the Understanding of the Accounting Principles among Students: A Comparative Study in Iran and the United Kingdom, *Empirical Accounting Research*, 3 (11): 55-73. (In Persian)
- Abdolmohammadi, M. J. & Baker, C. R. (2007). The relationship between moral reasoning and plagiarism in accounting courses: a replication study. *Issues in Accounting Education*, 22: 45-55.
- Ameen, E. C. , Guffey, D. M. & McMillan, J. J. (1996). Gender differences in determining the ethical sensitivity of future accounting professionals. *Journal of Business Ethics*, 15 (5): 591-597.
- Ashworth, P. & Bannister, P. (1997). Guilty in whose eyes?. University students' perceptions of cheating and plagiarism in academic work and assessment. *Studies in Higher Education*, 22 (2): 187-203.
- Auer, N. J. & Krupar, E. M. (2001). Mouse click plagiarism: the role of technology in plagiarism and the librarian's role in combating it. *Library Trends*, 49 (3): 415-433.
- Banimahd, B & Poshtyatbar, M. (1393). The Relationship between Academic Cheating and Opportunity among Students, *Journal of Ethics in Science and Technology*, 9 (2): 41-48. (In Persian)
- Bennett, R. (2005). Factors associated with student plagiarism in a post-1992 university. *Assessment and Evaluation in Higher Education*, 30 (2): 137-162.

- Booth, P. , Lockett, P & Mladenovic, R. (1999). The quality of learning in accounting education: the impact of approaches to learning on academic performance. *Accounting Education*, 8 (4): 277–300.
- Burns, D. J. , Tackett, J. A. , & Wolf, F. (2015). The effectiveness of instruction in accounting ethics education: Another look. In *Research on Professional Responsibility and Ethics in Accounting* (pp. 149-180). Emerald Group Publishing Limited.
- Carroll, J. (2002). *A Handbook for Deterring Plagiarism in Higher Education*. The Oxford Centre for Staff and Learning Development, Oxford, UK.
- Caruana, A. , Ramaseshan, B. & Ewing, M. T. (2000). The effect of anomie on academic dishonesty amongst university students. *The International Journal of Educational Management*, 14 (1): 23–30.
- Christensen, A. L. , Cote, J. , & Latham, C. K. (2016). Insights regarding the applicability of the defining issues test to advance ethics research with accounting students: A meta-analytic review. *Journal of business ethics*, 133 (1) , 141-163.
- Davis, S. F. , Drinan, P. F. & Bertram Gallant, T. (2009). *Cheating in school: What we know and what we can do*. Wiley Blackwell. West Sussex, UK.
- Dordoy, A. (2002). Cheating and Plagiarism: Student and Staff Perceptions at Northumbria. *Proceedings from the first Northumbria conference 2002*, Educating for the Future, Newcastle, July.
- Duff, A. (1998). Staff and student perceptions of academic misconduct: a survey of Scottish academic staff and students. *Accounting Forum*, 21 (3–4): 283–305.
- Earley, C. E. Y& Kelly, A. P. (2004). Note on ethics educational interventions in an undergraduate auditing course: is there an ‘Enron effect’?. *Issues in Accounting Education*, 19 (1): 53–72.
- Errey, L. (2002). Plagiarism: something fishy or just a fish out of water?. *Teaching Forum*, Oxford Brookes University, 50 (3) , pp. 17–20.
- Etherington, L. & Schulting, L. (1995). Ethical development of accountants: the case of Canadian certified management accountants. *Research on Accounting Ethics*, 1 (3): 235–25..
- Fleming, A. I. M. (1996). Ethics and accounting education in the UK: a professional approach?. *Accounting Education*, 5 (3): 207–217.
- Franklyn-Stokes, A. , & Newstead, E. S. (1995). Undergraduate cheating: Who does what and why. *Studies in Higher Education*, 20 (2): 159–172.
- Ghaffari, F. , O. , Kyriacou, & R. Brennan, (2008). Exploring the implementation of ethics in U. K. accounting programs. *Issues in Accounting Education* 23: 183–239.

- Guo, X. (2011). Understanding Student Plagiarism: An Empirical Study in Accounting Education. *Accounting Education*, 20 (1): 17-37.
- Haines, V. , Diekhoff, G. , LaBeff, E. & Clark, R. (1986). College cheating: immaturity, lack of commitment and the neutralising attitude, *Research in Higher Education*, 25 (4): 342–354.
- Hansen, B. (2003). Combating plagiarism. *CQ Researcher*, 13 (32): 773-796.
- Hayes, N. & Introna, L. D. (2005). Cultural values, plagiarism, and fairness: when plagiarism gets in the way of learning. *Ethics and Behaviour*, 15 (3): 213–231.
- Higgins, J. P. , & Green, S. (Eds.). (2011). *Cochrane handbook for systematic reviews of interventions* (Vol. 4). John Wiley & Sons.
- Introna, L. D. , Hayes, N. , Blair, L. & Wood, E. (2003). Cultural Attitudes towards Plagiarism, *Report of the University of Lancaster*, 2003.
- Kauffman, Y. , & Young, M. F. (2015). Digital plagiarism: An experimental study of the effect of instructional goals and copy-and-paste affordance. *Computers & Education*, 83, 44-56.
- Koh, H. P. , Scully, G. & Woodliff, D. R. , (2011). The impact of cumulative pressure on accounting students' propensity to commit plagiarism: an experimental approach. *Accounting and Finance*. 51: 985–1005.
- Koh, H. P. , Scully, G. , & Woodliff, D. R. (2016). Can Anticipating Time Pressure Reduce the Likelihood of Unethical Behaviour Occurring?. *Journal of Business Ethics*, 1-17.
- Kohlberg, L. (1981). *The Philosophy of Moral Development*. San Francisco: Harper.
- Love, P. G. & Simmons, J. (1998). Factors influencing cheating and plagiarism among graduate students in a college of education. *College Student Journal*, 32 (4): 539–551.
- McCabe, D. L. & Trevino, K. L. (1996). What we know about cheating in college. *Change*, 28 (1): 28–33.
- McGowan, S. , & Lightbody, M. (2008). Enhancing students' understanding of plagiarism within a discipline context. *Accounting Education: an international journal*, 17 (3) , 273-290.
- Mojtahedzadeh, V. , Asna Ashari, M. , & Robotmili, M. (1393) , The role of ethics in accounting and the challenges faced by university education, *Accounting Research*, 13: 157-179. (In Persian)
- Park, C. (2003). In other (people's) words: plagiarism by university students literature and lessons. *Assessment and Evaluation in Higher Education*, 28 (5): 471–488.
- Powell, L. , & Singh, N. (2016). An integrated academic literacy approach to improving students' understanding of plagiarism in an accounting course. *Accounting Education*, 25 (1) , 14-34.

- Renninger, K. A. , Hidi, S. , Krapp, A. , & Renninger, A. (2014). *The role of interest in learning and development*. Psychology Press.
- Royaei, R. A. , & Bayat. A. (2011) , Ethics in Accounting: The Study of the Effect of Ethical Motivation on Ethical Behavior, *Quarterly Journal of Accounting and Auditing Research*, No. 9. (In Persian)
- Ryan, G. , Bonanno, H. , Krass, I. , Scouller, K. , & Smith, L. (2009). Undergraduate and postgraduate pharmacy students' perceptions of plagiarism and academic honesty. *American Journal of Pharmaceutical Education*, 73 (6): 1-8.
- Samuels, L. B. & Bast, C. M. (2006). Strategies to help legal studies students avoid plagiarism. *Journal of Legal Studies Education*, 23 (2): 151-167.
- Saqafi, A. , Rahmani, H. , & Rabiei, A. (2010). Accounting ethics training in undergraduate studies, *Journal of Ethics in Science and Technology*, 5 (1-2): 7-18. (In Persian)
- Sarlak, N. (2008). Accounting Ethics, *Journal of Ethics in Science and Technology*, 3 (1-2): 71-82. (In Persian)
- Selwyn, N. (2008). Not necessarily a bad thing...: A study of online plagiarism amongst undergraduate students; Assessment and Evaluation in Higher Education, 33 (5): 1 – 17.
- Shaub, M. K. (1994). An analysis of the association of traditional demographic variables with the moral reasoning of auditing students and auditors. *Journal of Accounting Education*, 12 (1): 1-26.
- Sierles, F. , Hendrickx, I. & Circle, S. (1980). Cheating in medical school. *Journal of Medical Education*, 55 (2): 124-125.
- Singh, P. , & Thambusamy, R. (2016). To cheat or not To Cheat, That is the Question: Undergraduates' Moral Reasoning and Academic Dishonesty. In *7th International Conference on University Learning and Teaching (InCULT 2014) Proceedings (pp. 741-752)*. Springer, Singapore.
- Sisti, D. A. (2007). How do high school students justify internet plagiarism?. *Ethics & Behavior*, 17 (3): 215-231.
- Smith, K. J. , Davy, J. A. , Rosenberg, D. L. & Haight, G. T. (2002). A structural modeling investigation of the influence of demographic and attitudinal factors and in-class deterrents on cheating behaviour among accounting majors. *Journal of Accounting Education*, 20 (1): 45-65.
- Smith, M. , Ghazali, N. & Minhad, F. S. N. (2007). Attitudes towards plagiarism among undergraduate accounting students: Malaysian evidence. *Asian Review of Accounting*, 15 (2): 122-146.
- Smyth, M. L. , & Davis, J. R. (2004). Perceptions of dishonesty among two-year college students: Academic versus business situations. *Journal of Business Ethics*, 51 (1) , 63-73.

- Stefani, L. & Carroll, J. (2001). *Assessment: A Briefing on Plagiarism*. York: LTSN Generic Centre.
- Szabo, A. , & Underwood, J. (2004). Cyber cheats: Is information and communication technology fuelling academic dishonesty. *Active Learning in Higher Education*, 5 (2): 99-180.
- Wang, Y. M. (2008). University student online plagiarism. *International Journal on E-Learning*, 7 (4): 743-757.
- Yeo, S. (2007) , First year science and engineering students' understanding of plagiarism. *Higher Education Research and Development*, 26 (2): 199–216.
- Zubairu, U. , Sakariyau, O. , Dauda, C. , & Paiko, I. (2016). Assessing the Moral Credentials of the Next Generation of Accountants. *TARBIYA: Journal of Education in Muslim Society*, 3 (2) , 168-185

